

صادق و دل‌سوز، در راه پیشرفت وطن

درباره زنده‌یاد پروفسور جمشید درویش، پدر علم بیوسیستماتیک ایران که در ۲۴ آبان ۱۳۹۶ درگذشت



آرام‌خیز جمشید ستیابونسته

یکم/ بازگشت به شهر اجدادی

آخرین باری که این شهر را به نیت ادامه تحصیل ترک کرده بود، یک جوان هجده‌ساله بی‌تجربه بود که فقط می‌دانست دلش می‌خواهد خوب درس بخواند و برای خودش آدم اثرگذاری شود. دیگر به باقی مسیر فکر نکرده بود. از شرقی‌ترین نقطه ایران یعنی خراسان و شهر بیرجند به غربی‌ترین نقطه ایران یعنی آذربایجان شرقی و شهر تبریز سفر خود را آغاز کرده بود تا در دانشگاه معتبر این شهر، تحصیل در رشته زیست‌شناسی را آغاز کند.

شاید ابتدای راه خودش هم نمی‌دانست در این رشته چه سرفصل‌هایی انتظار او را می‌کشد، اما هرچه بیشتر جلو می‌رفت، در دنیای شگفت‌انگیز زیست‌شناسی، به اکتشافات تازه‌ای می‌رسید. گاه‌گاهی که دلش تنگ می‌بیرجند و دکان کوچک خواروبارفروشی پدر می‌شد، ۲ هزار کیلومتر راه را به جان می‌خرد تا در شهر آبا و اجدادی‌اش استخوانی سبک کند. از همان روز اول که راهش کشید سمت تبریز با خودش عهد کرده بود اگر روزی به جایی رسید، اگر دنیا را زیر پا گذاشت و به کشورهای مختلف سفر کرد، اگر از سوی معتبرترین مراکز علمی دعوت به کار شد، دست آخر باز برگردد همینجا. او نان و نمک خورده این شهر بود. باید روزی برمی‌گشت و دینش را به بیرجند عزیزش ادا می‌کرد. حالا برگشته بود. بعد از یک دوره پرفرازنشیب و طولانی. نوی تمام این سال‌ها، اتفاقات ریز و درشتی را از سرگردانده بود. از تبریز رفته بود

فرانسه برای تحصیلات تکمیلی و دفاع از رساله دکتری. از فرانسه هم آمده بود تبریز و حالا بار دیگر شهری که دوستش می‌داشت.

دوم/ مسئولیت‌پذیر و باوجدان

جذب نیروهای انسانی متخصص و دل‌سوز، برگزاری سمینارهای متعدد با حضور پزشکان بیرجندی برای پذیرش دانشجو در دانشکده علوم

پزشکی برای رفع کمبود پزشک در بیرجند، برگزاری سمینار علمی برای پیشرفت منطقه خراسان جنوبی تنها گوشه‌ای از خدمات او در بیرجند بود. او خیلی پیش‌تر از این‌ها، زمانی که یک دانشجوی ساده در تبریز بود، یک بار آمد بیرجند و تصمیم گرفت مغازه خواروبارفروشی پدرش را به یک کتابخانه کوچک عمومی تبدیل کند. کتاب‌ها را از گوشه و کنار کشور خریداری می‌کرد و بعد در زمانه‌ای که تهیه کتاب و دسترسی به کتب مختلف برای دانشجویان دشوار

بود، کتاب‌ها را به مغلی‌اندک کرایه می‌داد. از همان روزها با وجود مضيقه‌های مالی و بعد مسافت، دغدغه بیرجند را داشت. بالاخره بعد

نگاهی کوتاه بر خدمات ارزنده پروفسور جمشید درویش

طراحی سامانه نیمه اتوماتیک تشخیص مشخصات کروموزوم‌ها در گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی و مرتب‌سازی آن‌ها، ساخت شمع دودزای برای مبارزه با موش‌های مضر و ساخت دستگاه مطالعه‌کلنی موش‌ها در بررسی‌های میدانی از جمله اختراعات مرحوم درویش است.

واحد بیرجند نیز بود. همچنین مرکز لرزه‌نگاری این شهر را خودش تأسیس کرد. دوره‌کارشناسی ارشد و دکتری بیوسیستماتیک جانوری در دانشگاه فردوسی مشهد و تهران به همت پروفسور درویش راه‌اندازی شد.

تأسیس مرکز پرورش حیوانات آزمایشگاهی دانشگاه تبریز، یادگار پروفسور درویش در این شهر است. او نماینده هسته زیست‌شناسی در کمیته برنامه‌ریزی زیست‌شناسی ستاد انقلاب فرهنگی، مؤسس شعبه مرکز تحقیقات کویری دانشگاه تهران در بیرجند و مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی

باک داریم بنزین نداریم!

با برنامه قطع شود، یک روز بدون برنامه، خودش یک جور کار با برنامه است.

یک بحث حقوقی!

نماینده کارگران گفته است دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳، نه براساس تورم و نه بر اساس معیشت تعیین شده است. البته کارگران بابت اینکه هیچ مبنایی برای حقوق آن‌ها در نظر گرفته نشده است نباید ناراحت باشند. ما حقوق‌هایی که نه براساس تورم و نه بر اساس معیشت تعیین شده باشد زیاد داریم. مثلاً حقوق مدیران شرکت‌های خودروسازی هم مبنای خاصی ندارد و گونه مثلاً اگر مبنای کار آن‌ها کیفیت خودروهای تولیدی شرکتشان باشد نه تنها نباید ده‌ها میلیون حقوق و پاداش آن‌ها قطع شود بلکه باید اندازه دیه قربانیان و مصدومان حوادث خودرویی هم از آن‌ها بپول گرفت. همچنین احتمال می‌دهیم دستمزد کارگران حساب و کتابی هم داشته که نماینده کارگران از آن بی‌خبر بوده است. مثلاً ممکن است بر اساس اینکه بتوانند پول رفت و آمدشان را تا محل کار بدهند حقوقشان محاسبه شده باشد. حتی ممکن است حقوقشان بر این اساس



مهدی موزافری

محاسبه شده باشد که اگر به خاطر گرانی، نتوانستند تمام چیزهایی را که پارسال می‌توانستند بخرند امسال هم بخرند. لااقل بتوانند نصف آن‌ها را بخرند.

سه‌هزار تومانی دوست داشتی!

اعلام شده است که واردات بنزین سوپر آزاد شده است. برخی تحلیلگران هم برآورد کرده‌اند که قیمت پُرکردن یک باک بنزین بر اساس قیمت بنزین سوپرفوب خلیج فارس حدود ۴ میلیون تومان آب بخورد. اولش فکر کردیم این بنزین لوکس کوچک‌ترین ربطی به ما ندارد ولی کمی که دقیق‌تر شدیم دیدیم اتفاقاً خیلی هم به ما ربط دارد مثلاً ممکن است برویم پمپ بنزین که بنزین سه‌هزار تومانی بنزیم ولی به ما بگویند از اون بنزین سه هزار تومانی‌ها نداریم. نگاه سوپرش رو داریم. آن وقت ما یک نگاه به چراغ روشن بنزین خودمان بکنیم و یک نگاه به قیمت بنزین سوپر و بعد هم باکمان را در حدی که خودرومان به نزدیک‌ترین پمپ بنزین معمولی برسد با بنزین سوپر پر کنیم و نوی راه به این فکر کنیم که اگر آن پمپ بنزین بعدی هم از این بنزین سه‌هزار

تومانی‌ها نداشت ما با این باک پر از خالی خودمان چه کنیم؟!

زیرساخت‌های همواره در حال ساخت!

سخنگوی دولت گفته است در صورتی که لازم باشد دولت طرح کالایرگ الکترونیکی را پس از ایجاد زیرساخت‌ها اجرا خواهد کرد. می‌بینید. کلاً مسئولان هر کاری بخواهند انجام بدهند اول یک زیرساختی برایش ایجاد می‌کنند. اگر معنای زیرساخت را نمی‌دانید باید به اطلاعاتن پرسانیم زیرساخت همان پنج دقیقه دیگه می‌رسم آقایان یا همان پنج دقیقه دیگه حاضر میشم خانم‌هاست. حتی خود کلمه زیرساخت خودش زیر ساخت جواب به سوالات آینده خبرنگاران است مثلاً این ماه به خبرنگاران می‌گویند باید زیرساخت‌ها ایجاد شود. ماه بعد می‌گویند چند جلسه کارشناسی برای ایجاد زیرساخت‌ها انجام دادیم و ماه بعدتر هم خواهند گفت میزان بودجه لازم برای ایجاد زیرساخت‌ها در حال بررسی است و اگر یک مسئول بازی با کلماتش خوب باشد می‌تواند سال‌های سال به خوبی و خوشی با همین کلمه زیرساخت جواب خبرنگاران را بدهد.

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید



ميثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۱-۵ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱
- نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱
- روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۲-۵۱
- شماره پیامک: ۷۷۸۹۰۳۰۰۰



دمای هوای مشهد

۸۲٪ رطوبت هوا

۷° ↑ ۱° ↓

صبح ۶ ظهر ۱۶ شب ۱۲

عصر ۱۲

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۱۶:۰۲ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۲:۲۱

غروب آفتاب ۱۶:۲۳:۵۲ اذان صبح فردا ۰۴:۴۱:۴۲

اذان مغرب ۱۶:۴۳:۲۳ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۰۹:۱۱

شهید

جواد سهمی حساری

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۸/۲۷

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۱

محل تولد: مشهد

محل شهادت: پنجویں

چهار



عکس: وحید خاکی اراک

شمال خراسان به رنگ ارغوان

این روزها از مشهد که می‌زی به دل جاده و مسافر می‌شوی به سوی شمال خراسان بزرگ، بعد از قوچان همان شهر سرخ‌دستان، شهر موسیقی و نرسیده به فاروج شهر پسته و بادام، وسعتی به رنگ ارغوان در مزارع حاشیه‌ای جاده دلبری می‌کند. طلای سرخ، فرش گسترانده برای میزبانی. اینجا محل توقف بسیاری از مسافران است برای تماشای زیبایی، گرفتن عکس یادگاری و نوشیدن نسکافه و چایی.

همه حواسشان هست که گلبرگی زخمی نشود و تقاله چایی به زمین نریزد. تعدادی همانجا معامله‌شان می‌شود و زعفران بدون واسطه دلالت می‌خرند. یکی مثل من هم که توقف می‌کند برای تماشا و عکسش را می‌گیرد، وقت رفتن، زن کشاورزی سد راه می‌شود. گلی زعفرانی از سبدش سوا می‌کند و می‌گذارد کف دستم: «بزار گوشه شالت، دوباره عکس بگیر، زعفرونشم بریز تو فلاسکتون تا مشهد چای زعفرون بخور»

مشهد را که می‌گوید، صدایش منقطع می‌شود، انگار کلمه مشهد بین حرف‌هایش مثل گل زعفرانی است در جمله‌بندی جاده: «سلام منو به امام رضا برسون بگو صدیقه روسیابه دلش لک‌زده برای زیارت»

گذر گوشه‌های روسری‌اش می‌افتد به گوشه‌های چشم‌هایش... تشکر می‌کنم با لبخندی به پهنای صورت: «چشم. دارم میرم بجنورد اما شب دوباره برمی‌گردم مشهد.»

توی گوشه‌ام ام‌امش را می‌نویسم (تا با مسوبی به سابقه بودن کم‌حافظگی، خلف وعده نکرده باشم): «قول میدم خیلی زود برم حرم و ویژه دعا کنم براتون...» و بعد برق تپله‌ای چشم‌هایش را دیدم وقتی لب‌هایش را با گره روسری‌اش پنهان می‌کرد و صدای خنده ارغوانی‌اش را بدرقه راهم. انگار خودش را تجسم کرده بود وسط روضه منوره.



زهره راززهی

تبلیغات خلاق کلید رشد و ثروت

مشهد میدان شهدا / ساختمان تجاری اداری شمس / طبقه اول / واحد ۵ ☎ ۰۹۰۵۷۴۸۳۵۶۱

shahraranews.ir

(داخلی ۷) ۰۵۱۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پخش کننده: شبکه خبر و ماهواره